

آرمان‌های رسالت

قرآن کریم - محکم‌ترین سند مسلمانی ما - رسول الله (ص) را «خاتم النبیین»^۱ و دارای امکاناتی اختصاصی چون «رحمة للعالمین»^۲، «خلق عظیم»^۳ و ... همراه با برنامه‌هایی چون تعلیم، تزکیه،^۴ حکومت: «لتحکم بین الناس»^۵ معرفی کرده که همه اینها برای اهداف و آرمان‌هایی بلند و الهی است. از جمله این آرمانها: ۱. حیات طیبه مسلمین،^۶ ۲. برانگیزاندن مردم به قسط و عدل،^۷ ۳. خلیفه زمین کردن مسلمین^۸ و ۴. ظهور تام دین اسلام بر همه ادیان الهی و بشری معرفی می‌کند.

آیا این آرمان‌ها محقق شده است؟

سؤال اساسی این است که آیا این اهداف و آرمان‌های آخرین فرستاده خدا در زمین

محقق شده است؟ آرمان‌های اخروی مثل عبودیت و یقین و سعادت از این بحث بیرون‌اند. سنخ آرمان‌های شمرده شده همه زمینی و این جهانی هستند ولو وجهه آسمانی دارند و مقدمه آن جهانی شدن باشند.

در بین این آرمان‌ها «لنحییته حیاة طیبه»؛ زنده شدن به حیات طیبه شاید قابل تدارک در این دنیا در طول دوران گذشتن از رسالت بوده باشد. چون از سویی این آرمان نوعی خصوصیت انفرادی دارد و از سویی دیگر رسول الله با ولایت کلیة الهیة خود و تصرفات تکوینی خود این منظور را در فرد برآورده می‌کند. افراد مؤمن به رسالت با عمل به تعالیم رسول الله در عرصه رفتار، اخلاق و عقاید مستوجب دستگیری و رسانده شدن به وسیله رسول الله به آن حیات طیب در همین زندگانی مادی می‌شوند.

اما سه آرمان دیگر چه؟ آیا مسلمین برای قسط و عدل برانگیخته و نظام عادلانه اجتماعی خویش را برپا کرده‌اند؟ حتی اگر گفته شود دوران جامعه نبوی و حکومت علوی چنین شد سؤال پاسخ داده نشده است چون ۱۴ سال در مقابل ۱۴ قرن نمی‌تواند تحقق آرمان به حساب

آید. تاریخ مسلمین پر از حاکمان جور و امپراطوری‌های فسق بوده است اموی، عباسی، عثمانی هیچ یک مصداق نظام عادلانه اسلامی نبوده‌اند.

آیا مسلمین خلفای زمین شده‌اند؟ امروز دنیای اسلام در جهان سوم قرار دارد و در گذشته نیز ایشان خلفای زمین نشده‌اند. همچنین هیچ وقت دین اسلام بر همه ادیان دیگر ظهور و بروز نیافته است. اسلام در عهد رسول الله (ص) غریب بود و پس از او به زودی هم غریب گشت. همیشه ادیان دیگر هم بوده‌اند و حتی نحلّه‌های بشرساز جولان داده‌اند پس مرحله ظهور دین حق هم به لحاظ کمی و هم کیفی (سیطره به لحاظ حجت و تأویل حقایق) هنوز نیامده است. پس آیا رسول الله - العیاذ بالله - در آرمان‌های خود شکست خورده است؟

امر از سه فرض بیرون نیست:

(الف) آرمان‌ها محقق شده‌اند ولی ما مطلع نیستیم: این فرض خلاف بداهت و حس است و تواتر تاریخ به خلاف آن است.

(ب) بداء حاصل شده است و خدا و رسول دیگر این آرمان‌ها را برای مسلمین نمی‌خواهند.

شاید برای این فرض از بنی اسرائیل بتوان شاهد آورد که فضیلتشان بر عالمیان به خاطر رسالت‌های الهی‌شان بود و تا موسی هم آن آرمان‌ها تعقیب می‌شد ولی وقتی بهانه‌گیری‌ها به حد اکثر رسید، خدا برای آنها بداء حاصل کرد و به جای آن فضیلت، ذلت و مسکنت را برایشان ضرب کرد (قرار داد). قرآن از این واقعیت پرده بر می‌دارد.

اما این فرض هم قابل قبول نیست. زیرا به نص قرآن، رسول الله، خاتم پیامبران^{۱۱} و از سوی دیگر تحقق این آرمان در زمین وعده الهی است^{۱۲} و تخلف از وعده برای خداوند حکیم جایز نیست (به خلاف تخلف از وعید).

اگر این آرمان توسط دین خاتم و متدینان به آن انجام نشود قوم و دین دیگری نخواهد بود که چنان کند پس آرمان الهی زمین محقق نشده، از وعده تخلف می‌گردد.

(ج) این آرمان‌ها، آرمان رسالت است نه

زمینه‌سازان آرمان رسول (ص)

محسن قنبریان

رتال جامع علوم انسانی



جای نگرانی بسیار اینجاست که قوم برگزیده خداوند (ایرانیان) برای آن مأموریت الهی با انواع دسیسه‌ها و تهاجم‌ها از آن وظیفه خطیر غافل شوند و قوم ذلیل و مسکنت خورده خدا (اسرائیل) با انواع تبلیغات و وسوسه‌ها خود را قوم برگزیده و مأمور الهی برای پایان تاریخ بشر بدانند. حضرت روح الله در این باره فرمود: «انقلاب ما محدود به ایران نیست انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرجمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولان را از این وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت اسلام تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»^{۱۷}

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۴۰.
۲. سوره انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۷.
۳. سوره قلم (۶۸)، آیه ۴.
۴. سوره جمعه (۶۲)، آیه ۱۰۷.
۵. سوره جمعه (۶۲)، آیه ۲.
۶. سوره نساء (۴)، آیه ۱۰۵.
۷. سوره حدید (۵۷)، آیه ۲۵.
۸. سوره نمل (۲۷)، آیه ۶۲.
۹. سوره صف (۶۱)، آیه ۹.
۱۰. سوره بقره (۲)، آیه ۶۱.
۱۱. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۴۰.
۱۲. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.
۱۳. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.
۱۴. رک: کورانی، علی، عصر ظهور.
۱۵. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، ج ۳۷.
۱۶. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۳۹.
۱۷. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

با انبیای گذشته می‌خواهد: «وکأین من نبی قاتل معه ربیون کثیرا». اینان همان مؤمنان برگزیده اند. مؤمنانی که خود را نه فقط مستمع رسول که خود را مبعوث از سوی رسول برای رساندن رسالت به غایت خویش دیده اند و با خلوص ایمان و جهد سعی خود را به مقام اصطفاء و برگزیدگی برای این مأموریت خطیر رسانده اند. گرچه اسلام هرگز دین نژادی نیست اما پیشگویی‌های معصومان، این مؤمنان برگزیده را از جمله در دو جبهه ایرانی بیشتر تمجید کرده‌اند.^{۱۴}

ابن ماجه در «سنن» خود این روایت مشهور را آورده که: «یخرج قوم من مشرق فیوطئون للمهدی سلطانه» یعنی خروج اقوام شرقی (ایرانی) زمینه ساز حکومت و تمدن مهدوی است.

یکی از صریح ترین روایات در نقش ایرانیان، روایت مربوط به انقلاب اسلامی است که امام کاظم (ع) فرمود: «مردی از قم قیام می‌کند و مردم را به حق دعوت می‌کند و گرد او قومی جمع می‌شوند مثل پاره‌های آهن، تندبادهای بنیادکن آنها را متزلزل نمی‌کند ترس به دل راه نمی‌دهند و از جنگ ملول نمی‌شوند، بر خداوند توکل دارند و عاقبت هم برای اهل تقواست.»^{۱۵}

از این واضح‌تر حدیث «روح الله» است. بنا به روایت مرحوم مجلسی از امام باقر (ع): روزی از روزها چند نفر از صحابه بر پیامبر وارد شدند. در حالی که از منزل بیرون آمدند، در بین راه آن حضرت (ص) به همراهان خود فرمودند: «در روز قیامت مردمی در طرف راست عرش الهی با صورت‌ها و لباس‌هایی نورانی بر منابری از نور جای می‌گیرند». آنگاه هر یک از همراهان و اصحاب از پیامبر جویا شدند اینان کیانند؟ پیامبر (ص) سکوت فرمودند تا اینکه امیرمؤمنان علی (ع) از پیامبر این سؤال را کرد. پیامبر (ص) در پاسخ فرمودند: «قوم تحابوا بروح الله من غیر انساب و لا أموال و هولاء شیعتک و أنت إمامهم یا علی؛ آنان قومی هستند که به «روح الله» عشق می‌ورزند بدون اینکه به خاطر قوم و خویشی یا مال و منال باشند. آنها شیعیان تو هستند و تو امامشان هستی ای علی.»^{۱۶}

رسول!

در این فرض تحقیق این آرمان‌ها یعنی رسیدن رسالت به غایت خود. پس پرونده رسالت رسول الله (ص) هنوز هم باز است نه بدین معنا که حرف و سخن تازه ای به آن وحی الهی افزوده می‌شود بلکه بدین معنا که آرمان‌های وعده داده شده، آرمان‌های شخص رسول الله نبوده بلکه آرمان‌های شخصیت او که همان رسالت است می‌باشد لذا ولو شخص رسول الله در بین ما نباشد رسالت او در بین ما و الان بر دوش مؤمنان به اوست.

این مهم به آنجا می‌انجامد که مؤمنان نه فقط مستمع رسالت رسول بلکه مبعوث رسول الله به سمت آرمان‌های الهی رسالت‌اند.

درک این نکته عمیق حس عظیمی از مسئولیت و تکاپو را در مؤمنان متفطن پدید می‌آورد و زمینه اصطفاء و اجتناب آنها را فراهم می‌کند، کسانی مثل جمال الدین اسدآبادی، امام خمینی، و ... همه از این درک متولد شده اند و منشأ اثر شده اند و بر اثر احیای ملت‌ها یا امت اسلام را بیدار کرده‌اند و پویایی را موجب شده اند.

رسالت مؤمنان برگزیده

اما آیا چیزی که مضمون رسالت رسول معصوم الهی بوده است همین طور یله و رها بدون محافظ و نگهبان به دست قاطبه مؤمنان سپرده شده است؟

وقتی به روایات ذیل آیات فوق رجوع می‌کنیم می‌بینیم در ذیل همه آیات مذکور وعده تحقق آنها در آخرالزمان به دست امام دوازدهم از نسل پیامبر (ص) داده شده است.

با توجه به این، دلیلی مستقل بر ضرورت امامت تدارک می‌شود و استمرار نبوت را ضروری می‌کند و آن اینکه وقتی آرمان و هدف رسول هنوز به مقصد نرسیده باشد لابد باید کسی از سنخ رسول باشد تا رسالت را به مقصد و نهایت خود برساند. البته متکلمان ما عنایت لازم را در این باره نکرده اند و این دلیل جای شرح و بسط بیش از این دارد.

اما نکته بسیار حائز اهمیت این است که تحقق این رسالت به دست امام دوازدهم، ناصران و یارانی از سنخ «ربیون» همراه